

کاره‌ها می‌شوند. بازی بازیگران اصلی و فرعی هم چنگی به دل نمی‌زند. گویی همگی می‌دانسته‌اند که صرفاً قرار است دنباله‌ای ساخته شود و همین! از همه جالب‌تر آنکه یک سوم نهایی فیلم به طرز آشکار رپرتاژ آگهی کاملی برای هتل اسپیناس پالاس است! احتمالاً تجربه موفق و پولساز! سازندگان از اسپانسری و بازاریابی برای هتل داریوش کیش در فیلم قبلی (هتل) باعث شده دیگر نتوانند با چنین پیشنهادات و سوسه برانگیزی مخالفت کنند. ده دقیقه از فیلم در حالی می‌گذرد که سام درخشانی نماینده کشور برزیل را (با حوله تنی!) بر دوش گرفته و در حال فرار است و از آشپزخانه و رختشویی و سرویس بهداشتی گرفته تا اتاق‌های لوکس طبقه آخر هتل را به ما نشان می‌دهد! تگزاس ۳، در یک کلام توهینی است به شعور تماشاگر و اعتبار سینمای ایران. صدر حمت به فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب. اگر دنباله‌سازی این است، امیدواریم هرگز تگزاس ۴ در کار نباشد!

### محمد تقی‌زاده، منتقد سینما:

#### تگزاس ۳، یک فیلم دنباله‌رو است

تگزاس ۳، در حالی برای کسب عنوان پرطمطراق پرفروش‌ترین فیلم سال دور خیز کرده که همچنان از اشکالات ریز و درشت متنی و اجرایی رنج می‌برد. اما تگزاس ۳، چرا با وجود اینهمه ایراد تا این حد مورد استقبال قرار گرفته و رمز و راز این فروش چند صد میلیاردری چیست؟

این یک سوال ازلی ابدی میان تحلیلگران و کارشناسان سینمایی است که آیا فروش یک فیلم عامل برتری و رجحان آن فیلم محسوب می‌شود یا خیر؟ اگر نمی‌شود به چه دلیل اینهمه بلیت خریده می‌شود، کسی تماشاگران را مجبور نکرده که به سینما بروند پس حتما موفقیت و جذابیتی بوده که فیلم پرفروش شده است!

عامل موفقیت و استقبال تگزاس ۳، بجز ژانر کم‌دی آن یک سه ضلعی مشخص و جواب پس داده است؛ مسعود اطیابی که عنوان پولسازترین کارگردان ایران را یدک می‌کشد و خوب می‌داند چگونه از مردم خنده بگیرد و فرمول این گونه آثار به قولی دستش آمده است. ابراهیم عامریان که ردپای او در صدر فیلم‌های پرفروش سینمای ایران از فسیل و انفرادی تا دینامیت و همین تگزاس قابل رویت است و حالا به یک تهیه‌کننده صاحب سبک در فروش فیلم‌های کم‌دی بدل شده است که اسم او به نوعی تضمین‌کننده یک گروه کاربلد و از آن سو فروش چند صد میلیاردری فیلم است و ضلع سوم حضور بازیگر روی بورس سینمای ایران، پژمان جمشیدی است که توانسته به سوپر استار کم‌دی چند سال اخیر سینمای ایران بدل شود که علاوه بر سینما در تبلیغات هم نام او بیشترین تکرار و تاثیر را پیدا کرده است. حضور این سه ضلع در کنار هم باعث شده که فیلم تگزاس ۳، فارغ از وجوه زیبایی‌شناسی و قوت و ضعف فیلمنامه، ویژگی‌های عامه‌پسندی را برای جذب و جلب مخاطب پیدا کند اما این همه ماجرا نیست...

فروش یکی از ویژگی‌های هر اثر هنری و نمایشی محسوب می‌شود که البته مهم و قابل تحلیل است اما همه چیز آن نیست. تگزاس ۳، نقاط ضعف عدیده‌ای دارد که از فیلمنامه پر عیب و نقص آن می‌توان شروع کرد. تگزاس سه فقط موقعیت درست می‌کند و اهمیتی به چفت و بسط داستانی نمی‌دهد، برایش مهم نیست که تماشاگر شخصیت‌هایش را بشناسد و عمیق شود و تنها به سطحی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین خصوصیت‌های کلامی و حتی ظاهری برای معرفی کاراکترها بسنده می‌کند. تعدد شخصیت‌ها و تکثر لوکیشن‌ها اگر چه تا حد زیادی باعث شده مخاطب سرش گرم شود اما نمی‌تواند باعث درگیری و همراهی مخاطبان جدی‌تر فیلم شود. به نوعی این طیف از مخاطبان دیگر خام این فرمول‌ها و کلیشه‌های فیلمسازی نمی‌شوند و به فیلم‌های داستان‌گوتر و کاراکترها عمیق‌تر فکر می‌کنند.

روند بروز و ظهور اتفاقات، انگیزه و پس و پیش زمینه رفتارها در تگزاس ۳، مورد توجه فیلمنامه‌نویس‌ها نیست و سوالات زیادی در خصوص اتفاقات فیلم و کنش شخصیت‌ها بی‌جواب می‌ماند. از سوی دیگر سازندگان با ضرب‌آهنگ تند و موقعیت‌های فراوان سعی می‌کنند توجه مخاطب را از جزئیات پرت کنند و نیازی به عمق‌بخشی نمی‌بینند. مخلص کلام اینکه تگزاس ۳، یک فیلم دنباله‌رو است که با بهره‌گیری از یک سری فرمول‌های کلیشه‌ای در طنز، شخصیت‌پردازی و تجربیات فراوان سازندگان در این گونه سینمایی توانسته در گیشه موفق عمل کند اما واقعا باید از مخاطبانی که سرگرمی و تفریح بهتری از سینما ندارند بعد از تماشای فیلم پرسید که تا چه حد از فیلم رضایت داشتند و آیا حاضر هستند بار دیگر برای دیدن آن پول بدهند و بلیت بخرند یا خیر؟



مهدی هاشمی و آن بازیگر برزیلی (همه برزیلی‌های این فیلم فارسی بلدند!) در مجموعه‌ای از سکانس‌هایی بی‌ربط و بی‌سر و ته که به زور کنار هم قرار گرفته‌اند. اگر سکانس‌های فیلم جابجا نمایش داده شوند هیچ فرقی نمی‌کند! صحنه رقص همگانی مهمانان در هتل عیناً کپی صحنه حیاط در تگزاس ۲ است. تگزاس ۳ از نظر سینمایی هیچ دستاوردی ندارد و صرفاً دنباله‌ای است بر فیلم قبلی که همان مولفه‌ها را تکرار می‌کند تا باز هم از تماشاگر خنده بگیرد. فیلم بدون شک برای فیلمساز و تهیه‌کننده چند قدم به عقب است؛ حتی اگر پرفروش‌ترین فیلم سال لقب بگیرد ارزشی به آن اضافه نمی‌شود.

بزرگ‌ترین خیانتی که فیلمی مثل تگزاس ۳، به سینمای ایران می‌کند. سوء استفاده تمام‌عیاری از وضعیت سینمای ایران و نیاز تماشاگر به شادی و خنده است. سوء استفاده از سابقه و اعتبار بازیگران چهره‌ای که تماشاگر با دیدن آنها در پوستر فیلم اعتماد می‌کند و بلیت می‌خرد. سلطه چنین فیلم‌هایی بر اکران کل سال جا را برای فیلم‌هایی که ارزش تماشا داشته باشند تنگ می‌کند. زوج پژمان جمشیدی و سام درخشانی در چندین فیلم تکرار شده‌اند و بنظر نمی‌آید چیز تازه‌ای از آنها در بیاید. شوخی‌های فیلم با مسائلی از قبیل بارداری مادر در سن بالا، چاقی و لاغری زنان یا مسائل روز جامعه از قبیل حجاب، باسماهی و در حد نمایش‌های عامه‌پسند و زرد است. طرز فکر ارتجاعی و سطحی فیلمساز نسبت به خانواده و نقش زنان و مردان کاملاً از فیلم بیرون می‌زند. در چنین فیلمی ناهنجاری‌های جامعه باز تولید می‌شود. صحنه‌های پلیس و تعقیب و گریز و خلافکاران مواد مخدر در حد فاجعه بدتر کیب و مبتذل هستند. خرده روایت‌های فرعی به شدت سطحی هستند و نیمه

بدست آورد. پس از آن اطیابی و عامریان فیلم همان فرمول را در چندین فیلم تکرار کردند و به صدر جدول پرفروش‌ترین فیلم‌های سالهای اخیر راه یافتند. فیلم‌هایی نظیر تگزاس ۲، دینامیت، انفرادی، بخارست و هتل و حالا تگزاس ۳ در ادامه همین روند ساخته شدند. تماشاگری که دلش کم‌دی می‌خواهد به سینما می‌رود، فیلم‌ها پرفروش می‌شوند، سینمادار راضی است، چراغ سینما روشن می‌ماند و فیلمساز و تهیه‌کننده هم سرشان را بالا می‌گیرند که سینما را نجات داده‌اند و زنده نگه داشته‌اند. اما مشکل ما این وسط چیست؟ آیا منتقدان و نویسندگان سینمایی این وسط بی‌خود می‌زنند و عیش مدام تماشاگران با این فیلم‌ها را برهم می‌زنند؟ آیا واقعا با این ادعا که چرخ سینما بالاخره باید بچرخد می‌توان هر مزخرفی را به خورد تماشاگر داد؟

مشکل ما با سازندگان تگزاس ۳، این است که کم‌فروشی را به نهایت رسانده‌اند و حتی حداقل‌های کیفیت یک فیلم سینمایی را رعایت نمی‌کنند. طوری فیلم می‌سازند که گویی ما فیلم کم‌دی خوب در این سینما نداشته‌ایم و ندیده‌ایم. این سینمایی است که کم‌دی شاهکاری مانند «چاره نشین‌ها» داشته است. حال آیا به هر شامورتی بازی جلوی دوربین می‌توان به هر فیلمی گفت کم‌دی؟ تگزاس ۳، حتی از فیلم‌های قبلی همین کارگردان سری دوز هم ضعیف‌تر است و آنقدر بی‌مایه است که اصلاً نمی‌توان نقدش کرد! اگر از سازندگان این فیلم بخواهیم فیلمنامه‌اش را منتشر کنند به احتمال زیاد از این کار شانه خالی می‌کنند؛ چون فیلمنامه‌ای وجود ندارد! تگزاس ۳ ملغمه‌ای است از شوخی‌ها و داد و بیدادهای همیشگی پژمان جمشیدی و سام درخشانی، با خوشمزگی‌های